



## Journal of Historical Sciences Studies (JHSS)



### Research Paper

doi 10.22059/JHSS.2022.346099.473582

# The Approach of The Negotiations of Iran's Constitutional Era Parliaments to Music (1906-1926)

Saeid Moakedi<sup>1,\*</sup>, Mohammad Ali Ranjbar<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, PhD student in Iranian history of the Islamic period, Shiraz University, Iran. E-mail: [saeid.moakedi@gmail.com](mailto:saeid.moakedi@gmail.com)

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Iran. E-mail: [ranjbar@shirazu.ac.ir](mailto:ranjbar@shirazu.ac.ir)

### Article Info.

**Received:** 2022/07/21

**Accepted:** 2022/12/17

#### Keywords:

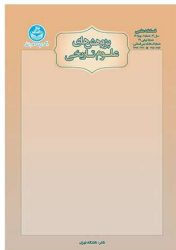
*Music, Parliament, Negotiations, Constitutional Era, Qajar dynasty.*

### Abstract

With the constitutional decree in 1906 until the end of the Qajar period, which we refer to as the constitutional era, five parliaments of the National Assembly were formed in Iran and the minutes of the parliaments of this era reflected some of the conditions of Iran at that time. This research, which has been written by descriptive and analytical methods, shows that the negotiations of the first and second parliaments of the National Assembly have been influenced by the events of the constitution and the constitutional movement, and this can be seen in the details of these negotiations regarding music. The diversity of music discussions in the first and second parliaments of the National Assembly was greater than in the other five parliaments of the constitutional era; in a ranking, the number of music-related political issues is in the first place and the number of economic ones is in the second place. Many of the negotiations were not about music, but it has been used as an example and for persuading other members of the parliament in their speeches. The proposal to ban the phonograph and the issue of the phonograph and instrument in the privacy of houses was raised in the second and fourth parliaments, which represented the conflict of opinions and the Assembly's capacity for a dialogue on this subject.

**How To Cite:** Moakedi, S. Ranjbar, M. (2022). The Approach of The Negotiations of Iran's Constitutional Era Parliaments to Music (1906-1926). Journal of Historical Sciences Studies, 14(3): 1-32.

**Publisher:** University Of Tehran Press.



# فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی

سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱. شماره پیاپی ۳۱



دانشگاه تهران  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مقاله علمی-پژوهشی

## رویکرد مذاکرات مجالس عصر مشروطه ایران به موسیقی (۱۳۰۵-۱۲۸۵ش/۱۹۰۶-۱۹۲۶م)

سعید موكدی<sup>۱\*</sup>، محمدعلی رنجبر<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوره اسلام، دانشگاه شیراز، ایران. رایانامه: [saeid.moakedi@gmail.com](mailto:saeid.moakedi@gmail.com)

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ایران. رایانامه: [ranibar@shirazu.ac.ir](mailto:ranibar@shirazu.ac.ir)

### چکیده

با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ش/۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م تا پایان دوره قاجار، که از آن به‌عنوان عصر مشروطه یاد می‌کنیم، پنج دوره مجلس شورای ملی در ایران تشکیل و صورت مذاکرات مجالس این عصر، بازتاب بخشی از شرایط ایران آن روزگار شد. زمانی که هنرها نیز از تغییر و تحولات بی‌نصیب نبوده و هنر موسیقی به عنوان یکی از آن‌ها، در معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بیش‌ازپیش مطرح شد. این مقاله به دنبال شناخت جایگاه این هنر در مشروح مذاکرات مجالس عصر مشروطه و آگاهی از جایگاه هنر «موزیک» در اندیشه و کلام و کلاهی مجلس شورای ملی است که بخش بزرگی از جامعه را نمایندگی می‌کردند. داده‌های این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی نگارش یافته، نشان می‌دهد مذاکرات مجلس اول و دوم شورای ملی، تحت تأثیر وقایع مشروطه و جنبش مشروطه‌خواهی قرار داشته و این موضوع در مشروح این مذاکرات در رابطه با «موزیک» هم قابل مشاهده است. تنوع و تکرار مباحث موسیقی در مجلس اول و دوم شورای ملی بیشتر از سایر مجالس پنج‌گانه عصر مشروطه بود و در یک رتبه‌بندی، تعداد مسائل سیاسی مرتبط با موسیقی در اولویت اول، و اقتصادی در رتبه دوم قرار دارد. بسیاری از مذاکرات صورت گرفته با موضوعیت موسیقی نبوده، بلکه مسائلی از موسیقی به‌صورت مثالی و برای اقناع دیگر وکلا در سخنرانی‌ها به کار رفته است. پیشنهاد منع فونوگراف و موضوع فونوگراف و ساز در حریم خصوصی خانه‌ها در مجالس دوم و چهارم به میان آمد که نشان از تضارب آرا و ظرفیت مجلس برای شکل‌گیری گفتگو پیرامون این مسئله داشت. به کار رفتن واژگان «عمله طرب» در مجلس دوم و «عیش و طرب» در مجلس پنجم، تداوم ذهنیت منفی این کلمات را برای بخشی از جامعه نشان می‌داد که در مذاکرات از آن بهره‌برداری شد. از طرفی، لفظ موزیک و مشتقات آن، بار مثبت خود را در عصر مشروطه اضافه می‌کردند.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

واژه‌های کلیدی:

موزیک، مجلس، مذاکرات، عصر مشروطه، قاجاریه.

استناد به این مقاله: موكدی، سعید؛ رنجبر، محمدعلی (۱۴۰۱). رویکرد مذاکرات مجالس عصر مشروطه ایران به موسیقی (۱۳۰۵-۱۲۸۵ش/۱۹۰۶-۱۹۲۶م)، فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۴(۳): ۱-۳۲.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## مقدمه

عصر مشروطه همواره به علت تنوع و بدیع بودن رویدادهایش و همچنین تأثیرگذاری بر تغییر و تحولات تاریخ ایران برای پژوهشگران اهمیت داشته است. بخشی از وقایع و رویدادهای این عصر به کنش و واکنش‌های هنری مرتبط می‌شود که بهتر است در تحلیل‌های خرد و کلان تاریخی دوره قاجار از سوی پژوهشگران لحاظ شود. از جمله هنرهای تأثیرگذار این دوره، هنر موسیقی است که با نشانه‌هایی از نوین شدن در کنار سایر هنرها، موردتوجه قشرهای مختلف قرار می‌گیرد و در بستر تغییر و تحولات عصر مشروطه و تفکیک قوا به کارکردهای متنوع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌رسد. بدین‌جهت، بررسی همه‌جانبه‌ی عملکرد این هنر و یافتن پیوندهای آن با رویدادها و منابع قدرت از اهمیت برخوردار است. در این عصر، قدرت مجلس شورای ملی، سبب مسائل و رویدادهای بسیاری شد. همچنین موضع‌گیری‌های وکلا، چالش‌های جامعه را عیان می‌کرد و فرصت مذاکرات علنی در خصوص موارد مختلف فراهم شد. سؤال این است که با آمدن این قوه جدید در معادلات قدرت ایران، هنری مثل موزیک که در این عصر مورد توجه محافل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است از منظر مجلس شورای ملی در مذاکرات چه جایگاهی دارد و رویکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای موزیک در مذاکرات مجالس پنجگانه عصر مشروطه به چه شکل مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است و نتایج حاصله از آن کدام‌اند.

## نگاهی به موسیقی ایران در دوره قاجاریه و عصر مشروطه

در سلسله قاجار، موسیقی بخشی از زندگی دربار بود و نه تنها در جشن‌ها و میهمانی‌های رسمی نواخته می‌شد، بلکه در زندگانی روزمره همواره حضور داشت. چنانکه حتی هنگام خوابیدن و غذا خوردن و سوارکاری نیز از شنیدنش نمی‌آسودند. برای مثال؛ آغامحمدخان عادت داشت که هنگام خوابیدن، نقالی برای او شاهنامه بخواند و خودش هرگاه سرخوش و سرحال بود، دوتار می‌نواخت (دهقانی، ۱۳۹۲: ۲۷۴-۲۷۵). اگر بخواهیم کمی بیشتر به پیشینه این هنر در دربار قاجار بازگردیم، شاهد آن هستیم که در زمان جانشین او یعنی فتحعلی‌شاه قاجار، زمان مناسب برای پرورش یک موسیقی درباری در این سلسله فرامی‌رسد؛ آن‌هم زیر نفوذ سنت‌های درباری شیراز و اصفهان که بازمانده سنت زندگی و حتی صفوی بودند (فاطمی، ۱۳۹۳: ۲۴۷). در دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار، نام برخی خنیاگران و نوازندگان [مرد و زن] که دارای دسته بودند در تواریخ آمده (سپنتا، ۱۳۸۲: ۶۸) و موزیک گارد سلطنتی محمدشاه، جانشین فتحعلی‌شاه، فعال بود (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۸-).

(۱۴۳). بااین وجود؛ اوژن فلاندن که در زمان محمدشاه از ایران بازدید داشته است، در سفرنامه خود از عقب ماندگی موسیقی ایران سخن می گوید (همان، ۳۱). دوره طولانی تر پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، زمانه‌ی شکوفاتری را برای هنر موسیقی فراهم کرد و نوازندگان درباری شاه، «عمله طرب خاصه» بودند (دهقانی، ۱۳۹۲: ۲۸۰). بعد از ناصرالدین شاه و دوره طولانی سلطنت وی، سه پادشاه قاجاری یعنی مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه قاجار به ترتیب به حکومت می رسند که به گفته ساسان فاطمی از عهد مظفری به بعد، پیوند موسیقی دانان بزرگ عصر با دربار شاهی سست و سازمان دهی اداری آنان متزلزل می شود. سرانجام افکار آزادی خواهانه و پیروزی مشروطیت در این تحول دخیل شد و موسیقی دانان می کوشیدند، موقعیت مستقلی پیدا کنند. باوجوداین، اشتباه است اگر تصور کنیم موسیقی دانان به یک باره از همان دوره مظفری خود را از زیر یوغ دربارها خلاص می کنند (فاطمی، ۱۳۹۳: ۲۵۶). محمدجواد کسائی در کتاب تاریخ شناسی موسیقی و ردیف موسیقی ایران با برشمردن چهارده ویژگی موسیقی عصر مشروطه، قسمت عمده‌ای از آن را محصول جنبش فرهنگی و اجتماعی مشروطه خواهی می داند (کسائی، ۱۳۸۷: ۳۹). به عقیده آریان پور: «در ایام مقارن با نهضت مشروطه، موسیقی ایرانی راهی نو در پیش گرفت و موسیقی دانان جوان آن دوره سعی کردند راههای تازه‌ای برای ساخت و اجرای موسیقی بیابند و این هنر را با تحولات اجتماعی همراه کنند. مفاهیم و مضامین سیاسی و اجتماعی در اشعار عارف قزوینی و ملک الشعرای بهار و میرزاده عشقی و... به وجود آمد و موسیقی از راه ترانه و تصنیف با توده‌های مردم ارتباط برقرار کرد و زمینه‌های بروز تحول موسیقی فراهم شد» (آریان پور، ۱۳۹۳: ۳۹). از نظر محمود خوشنم نیز پس از مشروطه، موسیقی دانان در سه حوزه آموزش، پژوهش و آفرینش شورمندانه به کار پرداختند (خوشنم، ۱۳۹۷: ۱۷) و می توان گفت سه حوزه مذکور، از تغییرات عمده قبل از مشروطه به سطح تحول در عصر مشروطه راه یافتند.

### مجالس عصر مشروطه و مذاکرات مرتبط با موسیقی

با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ ش/۱۳۲۴ ق/۱۹۰۶ م یک بازیگر جدید به نام مجلس شورای ملی به عرصه قدرت در ایران اضافه می شود تا نیروی جدیدی در کنار نهاد سنتی سلطنت باشد. از تشکیل مجلس اول شورای ملی تا پایان دوره قاجاریه و تاج گذاری رضاخان ۱۳۰۵ ش/۱۳۴۴ ق/۱۹۲۶ م، پنج دوره مجلس شورای ملی در ایران شکل گرفت. در این دوره بیست ساله، «تشکیل هر مجلس در پی دوره قبل با مقاومت و ممانعت روبه رو بود و گاهی دوره فترت

بین مجالس از دوره مجلس طولانی تر می‌شد. ادوار سه‌گانه اولیه، پیش از پایان مدت اجلاس به تعطیل شد؛ مجلس اول بمباران شد [کودتای محمدعلی‌شاه]، مجلس دوره دوم پس از اولتیماتوم روسیه [و در ادامه با کودتای بختیاری] منحل شد، مجلس سوم با وقوع جنگ جهانی اول و مهاجرت گروهی از وکلا تعطیل شد. اما ادوار چهارم و پنجم عمر دوساله خود را به پایان آوردند» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۸). با همه این فراز و نشیب‌ها، امروزه مشروح مذاکرات این مجالس یکی از ارزشمندترین متون تاریخی آن عصر محسوب می‌شوند که در صورت نقد و بررسی، موضوعات متنوعی از آنها مستخرج است.

مطالعات اولیه هنر موسیقی در عصر مشروطه، خبر از ورود بیش‌ازپیش این هنر به معادلات قدرت و اجتماع می‌دهد. معادلاتی که با افتتاح مجلس شورای ملی برجسته شد و با دوره استبداد صغیر، کودتا، جنگ جهانی اول، واقعه جمهوری‌خواهی، تغییر حکومت از قاجار به پهلوی و دیگر وقایع سیاسی در این عصر ادامه یافت. شناخت جایگاه هنر موزیک در مذاکرات وکلای مجلس، یکی از منابع سنجش آگاهی از این هنر و اندیشه‌های پیرامون آن در دوره قاجار محسوب می‌شود. داده‌های جمع‌آوری شده این پژوهش علاوه بر نشان دادن رویکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مذاکرات مرتبط با موزیک، رویدادها و وقایع تاریخی مرتبط با این هنر را نیز شامل می‌شود.

## ۱. مجلس اول شورای ملی

با فرمان مظفرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۵ش/۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م اولین مجلس شورای ملی تشکیل شد. در مراسم گشایش مجلس پس از اختتام خطابه‌ی مظفرالدین‌شاه، «موزیک نظام به ترنم عیش و سرور و تبریک مترنم آمد [و] تاکنون در ایران چنین سلامی دیده نشده بود که با حضور هفده نفر مجتهد مسلم لازم‌الاتباع زهاد عباد صدای موزیک بلند شود، چون تعظیم شعائرالله را باعث بود. لذا آقایان در مقام منع برنیآمده بلکه موزیک شرعی را مستمع آمدند» (کرمانی، ج ۳، ۱۳۸۴: ۵۵۴). در کتاب خاطرات یحیی هم به این مطلب اشاره شده است که در افتتاح مجلس اول شورای ملی، موزیک سلام با حضور علما زده شد (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۹). جان ویشارد هم در خصوص این مراسم اشاره دارد که «ظهر هفتم اکتبر ۱۹۰۶ مجلس شورای ملی در تهران گشایش یافت. این مراسم در محوطه قصر برگزار شد که همراه با غرش توپ‌ها و دسته‌ی موزیک دوازده نفره و نمایشات معموله بود» (ویشارد، ۱۳۹۹: ۲۷۴). سرانجام مظفرالدین‌شاه قانون اساسی را در دی ۱۲۸۵ش/۱۳۲۴ق امضاء کرد و چند روز بعد درگذشت. با فوت وی، فرزندش محمدعلی‌میرزا تاج‌گذاری کرد. حرکتی نمادین

هم از وی سر زد و با عدم اطلاع به مجلس، نمایندگان را به مراسم تاج‌گذاری دعوت نکرد و این موضوع، واکنش نمایندگان را در پی داشت (یزدانی، ۱۳۹۶: ۶۶). این کشاکش‌ها چندان زیاد شد که در نهایت محمدعلی‌شاه در ۲۲ بهمن سال ۱۲۸۵ ش/۱۳۲۴ ق دستخطی صادر کرد و مشروطه بودن حکومت ایران را به رسمیت شناخت (همان، ۷۰).

بیشتر نمایندگان این دوره از اصناف، کسبه و تجار بودند. اما اصناف و کسبه عضو کمیسیون‌های مهم مجلس نبودند و در بیشتر مواقع به دنبال گروه‌های دیگر می‌رفتند و تأثیر چندانی بر روند قانون‌گذاری نمی‌گذاشتند. برخلاف آن‌ها، تجار یکی از عناصر تأثیرگذار مجلس بودند و عضویت کمیسیون‌های مختلف را داشتند. اما اعضای این گروه محافظه‌کار بودند. هر دو گروه، خواهان تداوم نظام ارباب-رعیتی بوده و از ژرف شدن انقلاب هراس داشتند. در سه چهار ماه آغاز کار مجلس، نمایندگان وابسته به خاندان‌های دیوان‌سالار، مستوفی، اشراف و اعیان و زمین‌داران بزرگ بر مجلس چیره بودند. گروه‌بندی بر پایه‌ی حزبی استوار نبود و رسمیت نداشت و در گذر زمان دگرگون شد. عده‌ای محافظه‌کار بودند. تندروها که به نام آزادی‌خواه شهرت داشتند اقلیت نمایندگان را تشکیل می‌دادند (همان، ۷۱-۷۲). معتدلین (میان‌روها) که اکثریت عمده مجلس را تشکیل می‌دادند توسط دو تاجر ثروتمند محمدعلی شال‌فروش و امین‌الضرب رهبری می‌شدند. درحالی‌که معتدلین از سوی طبقه متوسط سنتی حمایت می‌شدند، آزادی‌خواهان عموماً نماینده طبقه روشنفکر به شمار می‌آمدند. آنان به رهبری تقی‌زاده از تبریز و یحیی اسکندری از تهران، پشتیبان اصلاحات گسترده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۱۲). در چنین مجلسی، تنوع مطالب و موضوعات مورد بحث زیاد بود و در خصوص موزیک هم این تنوع به چشم می‌خورد.

### ۱-۱. قانون استعمال اسلحه به شرط هشدار موزیک نظام

اولین مذاکراتی که در آن می‌توان روابط قدرت و موزیک را یافت، قانون «تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» است که زیرمجموعه این قانون «قواعد رجوع کردن مأمورین کشوری به قوای نظامی» است. این قانون به مأمورین کشوری اجازه می‌دهد تا در صورت عدم کفایت نظمیه و ضبطیه، برای حفظ و انتظام امور به قوه نظامی رجوع نمایند. هفتمین قاعده مورد اشاره در این ماده، مربوط به «برطرف کردن شورش و اغتشاشات» است و شرایط و ضوابط بیشتری را برای استعمال اسلحه وضع می‌کند. این قانون به شرح استفاده از اسلحه و لزوم استفاده از صدای سازهای نظامی طبل و شیپور برای اعلام هشدار در هنگام استفاده از اسلحه اشاره دارد:

«ماده ۱۵: بعدازاینکه مأمورین کشوری استعمال اسلحه را تصویب نمودند، رئیس قشونی که احضار شده، اقدامات لازمه را رأساً به عمل می‌آورد و قبل از اقدام به استعمال اسلحه، مکلف است که به شورشیان اعلام نماید که بعد از سه شیپور یا سه طبل حکم به استعمال اسلحه خواهد کرد، بعدازاین اعلام، رئیس قشون به‌طوری‌که مقتضی و صلاح می‌داند، اقدام خواهد کرد، ولی حکم استعمال اسلحه ناری را فقط وقتی خواهد نمود که ضرورت اقتضا نماید و به هیچ وسیله دیگری نتوان شورش را برطرف نمود» (دوره ۱، مذاکرات ۶ شعبان، ۱۳۲۵ق).

از متن یادشده برداشت می‌شود که استفاده از سازهای موزیک نظامی در این قانون، هشدار است برای به حداقل رساندن درگیری نیروها و از جهتی هم می‌تواند، القا کننده ترس به گروه هدف باشد. همچنین در ماده ۱۴-۱۵-۱۶ مشاهده می‌کنیم که لفظ قانون‌گذار به‌گونه‌ای است که استفاده از اسلحه را به حداقل رسانده و استفاده از آن را مشروط به طی مراحل متعدد می‌نماید. در اینجا قانون‌گذار به اهمیت تاریخی هشدار موزیک نظامی و چگونگی اعمال آن واقف بوده و در صدد بهره‌گیری از آن در قانون‌نویسی برآمده است.

## ۱-۲. اصلاح حقوق سربازان و موزیکانچیان فوج جلالی در پی مشروطیت

نظارت بر حقوق‌های حکومتی ازجمله مواردی است که مجالس عصر مشروطه به آن پرداخته اند. بعد از شکل‌گیری مجلس شورای ملی، سخت‌گیری برای پرداخت حقوق و مواجب در ایران بیشتر شد. در خصوص هزینه سرباز و موزیکانچیان فوج جلالی، گزارش انجمن ولایتی اصفهان در مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی بیان می‌کند؛ هزینه فوج جلالی اصلاح‌شده و این موضوع شامل پنجاه نفر موزیکانچیان این فوج هم شده است. بعد از خواندن این لایحه که شرح آن در ذیل آمده است، قرار شد تا کمیسیون مالیه در این خصوص تحقیق و رسیدگی‌های لازم را انجام دهد:

«برحسب نظارتی که انجمن محترم اصفهان داشت به حساب خانواری فوج جلالی رسیدگی نموده و بعد از اصلاحات و ترمیمات بعضی جهات فاسده، ... [حقوق سایرین و] پنجاه نفر هم موزیکانچی، نفری بیست تومان... چند روز است با اطلاع دو نفر امین از انجمن مقدس، مشغول پرداختن آن به افراد نظام با کمال دقت می‌باشند. ولی مطلب... این است، فعلاً افراد سرباز و موزیکانچی موجودی از فوج جلالی هفتصد نفر بیشتر نیستند و سیصد نفر سرباز کسر دارند و البته این کسر باید تکمیل شود، ولی برحسب میزان قاعده، اگر حال که آخر سال است گرفته شود، خانواری آن‌ها سال آینده باید داده شود، ... عجلتاً تقریباً سه هزار تومان از این خانواری بلامحل

می‌ماند و مصرفی ندارد و چون به‌زحمت زیاد از خلق مفت خواران بیرون آورده شده، در انجمن چنین تصویب نمودند که این مبلغ به مصارف لازمه فوریه انجمن و سربازخانه و میدان شاه لازم است که برسد و ضرری هم به دولت وارد نشود» (دوره ۱، مذاکرات ۱۰ شوال، ۱۳۲۵ق).

از آنجاکه توزیع عادلانه ثروت از دغدغه‌های مشروطه‌خواهان بود، این توجه در سرتاسر مجالس پنج‌گانه، موردنظر وکلای مجلس قرار داشت و انجمن‌های تشکیل‌شده در ایالات و ولایات مدافع آن بودند تا هزینه‌ای اضافی به خرج نرود.

### ۱-۳. موزیکانچی بر مدار قدرت؛ درگیری موزیکانچیان زنجان و تجار، چالش طولانی

#### مجلس اول

ماجرای موزیکانچیان زنجان و تجار، طولانی‌ترین بحث مرتبط با موزیک در مجلس اول و شاید برای تمامی مجالس پنج‌گانه عصر مشروطه باشد. این موضوع در چندین جلسه مجلس اول شورای ملی به بحث گذاشته شد. خوشبختانه کسروی در گفتار هفتم کتاب تاریخ مشروطه ایران به این مسئله اشاره می‌کند و در روایت کوتاهی می‌نویسد:

«اما زنجان، در اینجا یک آشوب خونینی رخ داد. اینجا یکی از شهرهایی می‌بود که مشروطه ریشه ندوانیده و آزادی‌خواهی پیشرفتی پیدا نکرده بود. در اینجا نیز انجمنی برپا کرده بودند، ولی بسیار ناتوان می‌بود. چنانکه گفتیم، چون در نتیجه بدخواهی‌های دربار در بسیاری از شهرها گردنکشی برمی‌خاستند، در اینجا مظفرالدوله که رئیس فوجی می‌بود برخاست و موزیکانچیان را به آزار مردم و ستمگری برانگیخت. تا دیری بازرگانان زنجان در تلگراف‌خانه نشسته به تهران دادخواهی می‌کردند» (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۰۲).

در (مذاکرات ۶ ربیع‌الثانی، ۱۳۲۵ق) بحث تحصن تجار زنجان به میان می‌آید و چند تن از نمایندگان در این خصوص سخن می‌گویند. آقا شیخ ابراهیم می‌گوید: «پانزده روز است تجار زنجان در تلگراف‌خانه متحصن هستند و کراراً عرایض خود را رسانده‌اند، تا حال چه ثمر و فایده مترتب شده، جز اینکه این بیچاره‌ها تا حال پنجاه‌هزار تومان متضرر شده‌اند». در همین خصوص، محمداسماعیل آقا اشاره می‌کند: «چه طور می‌شود وزارت جنگ از عهده احضار یک نفر خود برنیاید و تمام را به مسامحه می‌گذرانند، این شخص نوکر نظامی است که مدتی است خواسته‌شده و حاضر نشده». حسن تقی‌زاده هم از یاغی شدن «رئیس موزیکانچی» ابراز ناراحتی می‌کند. تقی‌زاده در جلسات بعدی از مجلس می‌خواهد تا در خصوص چند مورد به وزارت داخله اخطار داده شود که مسئله «تعدی

موزیکانچیان در زنجان» ازجمله آن موارد است. تلگرافی هم از زنجان قریب به این مضمون در مجلس خوانده می‌شود:

«حضور وکلا عظام؛ این دعاگویان، دکان‌ها را بسته و چندین هزار تومان متضرر شده، عرایض خود را به اولیای دولت علیه اظهار داشتند، تاکنون اقدام صحیح نشده، اگر مظفردولہ یاغی شده چرا در مقام مؤاخذه و سیاست بر نمی‌آیند و اگر به اذن یکی از اولیای دولت بر سر ما مسلط شده، چرا اولیای مجلس رسیدگی نمی‌کند». شیخ ابراهیم هم در این خصوص می‌گوید: «این شخص یا تابع دولت است یا یاغی است، از یک طرف به سعدالدوله حکم می‌شود که او را حرکت بدهد از طرف دیگر به حکومت تأکید می‌کند که اشرار را تنبیه کند، از طرفی هم مظفردولہ اظهار می‌دارد که من تابع حکم نیستم و برحسب حکم وزارت جنگ، باید به تکلیف خود عمل نمایم» (دوره ۱، مذاکرات ۱۵ ربیع‌الثانی، ۱۳۲۵ق).

وکلا در (مذاکرات ۱۸ جمادی‌الاول، ۱۳۲۵ق) می‌گویند: «هشت ماه است موزیکانچیان مظفردولہ، چند نفر تاجر را زخم زدند، به عرض رسید، اقدامی نشد». هم‌زمان با موضوع موزیکانچیان و تجار، ماجرای مشروطه و مشروعه در زنجان در حال اتفاق بود. در (مذاکرت ۲۴ جمادی‌الاول، ۱۳۲۵ق) است که شیخ ابراهیم بیان می‌کند: «در زنجان به‌هم‌ریخته‌اند، دو تلگراف آمده گفته‌اند؛ انجمن و مجلس حرام است، شهر مغشوش است» کسروی هم در ابتدای گفتار هفتم کتاب تاریخ مشروطه ایران ذیل عنوان «تبرد مشروطه و مشروعه به کجا انجامید؟!...» و «ماجرای کشته شدن سعدالسلطنه در زنجان» به ماجرای موزیکانچیان و تجار زنجان اشاره دارد و تا حدودی تصویری آشوب‌طلب برای مظفردولہ ترسیم می‌کند (کسروی، ۱۳۸۳: ۳۶۴). بحث موزیکانچیان زنجان برای مذاکرات مجلس پایانی ندارد و آقا شیخ ابراهیم و وکیل‌التجار در ماه‌های آتی همچنان مباحثی را پیگیر هستند:

«وکیل‌التجار: تلگرافی که از زنجان قرائت شد مشتمل بود بر... شرارت مفسدین و موزیکانچیان و خواستن جلوگیری از آن‌ها» و در ادامه شیخ ابراهیم گفت: «حالا دو ماه است حاکم را کشتند و راه‌ها را سد نمودند، اتصالاً دزدی و شرارت و قتل و غارت می‌نمایند. موزیکانچی و توپچی که نوکر دولت است و باید در این مواقع در سرحد جنگ کنند در آنجا مصدر شرارت و هرزگی و اغتشاش می‌باشند، کسی نیست علاجی بنماید». رئیس: «باید به وزارت جنگ نوشته شود که چرا از مخزن دولتی به این اشرار و هرزه لباس داده‌اند از آن‌ها پس بگیرند» (دوره ۱، مذاکرات ۵ شعبان، ۱۳۲۵ق).

موضوع موزیکانچیان زنجانى شاید نشان دهد که واحدهای موزیک نظامی در آغاز عصر مشروطه در فوج‌های مختلف قشون و در شهرهای مختلف حضور داشته و از آنان نه تنها برای نواختن موزیک، بلکه برای نواختن امر ملموس قدرت، یعنی درگیری‌های فیزیکی استفاده شده است. این نقش موزیکانچیان در حوادث زنجان می‌تواند نشانه‌ای باشد بر تعداد قابل توجه افراد در موزیک نظام و تشکیلات نسبتاً ساماندهی شده آنان که از دوره ناصری، پایه‌گذاری اصولی آن آغاز و در دوره مشروطه تقویت شد. بنابراین، حوادث انقلاب مشروطه سبب شد تا از ظرفیت موزیکانچیان در جهات مختلف استفاده شود. در سال ۱۳۲۷ ق هم یکبار دیگر موزیکانچی‌های زنجانى در سمت طرفداران محمدعلی شاه ظاهر شدند و جزو پیروان آخوند ملاقربانعلی زنجانى، جنگ‌هایی با مجاهدان مشروطه در زنجان انجام دادند (کسروی، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

#### ۴-۱. قانون مطبوعات و زمینه‌های تفسیر ممنوعیت اعلان آلات موسیقی

مجلس شورای ملی برای نظارت بیشتر بر مطبوعات، تصمیم گرفت تا سلسله قوانینی را در این خصوص تصویب نماید. فصل چهارم قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ ق/۱۲۸۶ ش/۱۹۰۸ م به اعلانات جراید اختصاص دارد و ماده ۱۷ این قانون به ذکر کلیاتی از شرایط اعلان‌ها به شرح زیر پرداخته است:

«ماده ۱۷- طبع و نشر اعلانات آزاد است، لکن اگر مضمون اعلان شامل قبیح و فضایح باشد یا داعی به فساد و اختلال امور عامه، مطبعه و متصدی هر دو مسئولند و اداره نظمیّه حق توقیف این گونه اعلانات را داشته، مرتکب و متصدی را به محکمه عدالت جلب خواهد کرد» (دوره ۱، مصوب ۵ محرم، ۱۳۲۶ ق).

قانون مطبوعات و به خصوص ماده ۱۷ آن زمینه‌های تفسیر متعددی را بوجود آورد و اینگونه شد که روزنامه ایران در شماره ۱۶۵۳ و در تاریخ ۱۷ اسد ۱۳۰۳ ش، خبر از ممنوعیت آلات لهو، مثل پیانو به استناد قانون مصوب مجلس را داد:

به عموم آقایان مدیران جراید

«محترماً زحمت می‌دهید در بعضی از روزنامه‌جات و اوراق مطبوعه منضمه جراید دیده می‌شود که اعلانات مضره از قبیل آلات لهو، مثل پیانو و فروش مسکرات و غیره درج می‌شود و این مسئله موجب اعتراض هیأت محترم علمیه شده است. لزوماً خاطر شریف آقایان را به قانون مصوب مجلس شورای ملی جلب می‌نماید که قبول درج اینگونه اعلانات در جراید خودداری فرمایند تا در آتیه

برحسب مسئولیت، قانونی برای کارکنان مطبوعاتی فراهم نشود. مهدی الحسینی لاهیجی/دایره نظارت شرعیات» (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۳۵۹-۳۶۰).

#### ۱-۵. تشریفات قدرت با دسته‌های موزیک در همراهی محمدعلی‌شاه به مجلس

مشروح مذاکرات مجلس اول، شرح تشریف‌فرمایی شاه به مجلس را با اندک تغییر در عبارات روزنامه مجلس، بیان می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد که محمدعلی‌شاه در روز حضور به مجلس با استقبال مردم در گوشه و کنار شهر و اجرای دسته‌های موزیک همراهی شده است:

«در ساعت سه به غروب مانده، موکب شهریاری باکمال ابهت و شفقت... به مرکز توجه عموم ملت، یعنی مجلس مقدس شورای ملی تشریف‌فرما شده، در عرض راه در هر چند قدم فاصله، دستجات موزیک حین عبور موکب ملوکانه به نوای زنده‌باد شاه و عموم ملت به صدای زنده و جاوید باد شاهنشاه مشروطه‌خواه، هم‌آواز گشته.» محمدعلی‌شاه در این جلسه «من‌باب تشویق و مزید اطمینان ملت قسم یاد کرد تا قانون اساسی مشروطیت را نگهبان باشد و بر طبق آن قوانین مقرر سلطنت نماید...» (دوره ۱، مذاکرات ۳ شوال، ۱۳۲۵ق).

نویسنده سفرنامه از خراسان تا بختیاری که در دوره محمدعلی‌شاه، سفرش به تهران رسیده است، ذیل عنوان «سوگند شاه در پارلمان» اشاره می‌کند که شاه بعد از سوءتفاهم نسبت به وفاداری‌اش به مشروطه در مجلس حاضر شد تا ظن‌ها را برطرف نماید. او بعد از سوگند به مشروطیت و قانون اساسی، در مسیر بازگشت با استقبال مردم و موزیکچینی که تعداد آن‌ها از سربازانی که باید در میدان جنگ باشند بیشتر است، بدرقه شد و این موضوع برای هانری جالب بود که «در خیابان‌ها مردم ساده‌لوح ازدحام کرده و با دهان باز حرکت قشون را تماشا می‌کردند و از صدای طبل و شیپور لذت می‌بردند» (آلمانی، ۱۳۳۵: ۱۱۱۹-۱۱۲۱). این دو روایت گویای تعدد موزیکچیان و بلند بودن صدای طبل و شیپورهایی‌اند که دسته‌های موزیک این دوره برای شکوه و جلال نهاد سلطنت و برگزاری مراسمات مختلف به کار می‌بردند تا عملکرد تشکیلات صوتی قدرت، همچنان ظهور و بروز داشته باشد.

«دوره قانون‌گذاری مجلس در حدود نیمه شعبان (اواخر شهریورماه) به پایان می‌رسید. بنابراین کمتر از سه ماه به پایان حیات قانونی مجلس مانده بود. شاه می‌توانست این مدت نیز دندان بر جگر بگذارد و کارها را به روال قانونی پیش ببرد؛ اما چنین نکرد. تعطیلی قانونی مجلس، خواسته‌های او را بر نمی‌آورد. محمدعلی‌شاه نخستین کودتای نظامی ایران معاصر را به نام خود ثبت کرد. او کودتایی

سلطنتی و درون حکومتی انجام داد. شاه که رئیس اجرایی کشور بود، مجلس را برانداخت و به زندگی حکومت مشروطه پایان بخشید و نظام خودکامه پیشین را احیا کرد» (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۱۳).

در میانه درگیری دربار و مجلس، یک موضوع دیگر مرتبط با موسیقی اتفاق افتاد. به گفته عین‌السلطنه «چون خانه عضدالسلطنه هم آنجا بود و از غارت اسباب او، تار و تنبک و کمانچه داخل غارت مجلس شده و به اسم مجلس شهرت کرده است، مردم بسیار مذمت می‌کنند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۱۳۵). این موضوع نشان از بهره‌برداری سیاسی حول محور موزیک در عصر مشروطه دارد و این بار به ضرر عضو جدید قدرت، یعنی مجلس شورای ملی تمام می‌شود.

در ادامه؛ «حکومت محمدعلی‌شاه نتوانست به اقتدار مطلق که می‌خواست دست یابد. پیروزی در پایتخت چیرگی او را بر سراسر کشور برقرار نکرد. مشروطه‌خواهان در چند شهر و منطقه نیرو گرفتند و دایره قدرت حکومت را محدود ساختند. پس از سیزده ماه مقاومت مردمی و جنگ داخلی، نیروهای نظامی ملیون خود را به تهران رساندند. شاه پایتخت را نیز از دست داد و فرمانروایی خودکامه‌اش فرو ریخت. به این ترتیب، نخستین کودتای سده بیستم ایران در مرحله حمله به پیروزی رسید، اما کودتاگران نتوانستند مرحله تثبیت را با موفقیت پشت سر بگذارند. در طی ماه‌های بعد، مشروطه‌خواهان شکست‌خورده بر شاه برتری جسته و حکومت کودتایی‌اش را سرنگون کردند» (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

## ۲. مجلس دوم شورای ملی

نیروهای مشروطه‌خواه در تیر ۱۲۸۸ ش/۱۳۲۷ ق/۱۹۰۹ م وارد تهران شدند. پانصد نفر که از نمایندگان مجلس منحل، نیروهای بختیاری، مبارزین دیگر، بازار و آزادیخواهان دربار بودند، به سرعت در تهران گرد آمدند و خودشان را مجلس عالی اعلام کردند. این مجلس که به عنوان جانشین مجلس شورای ملی عمل می‌کرد، محمدعلی‌شاه را خلع کرد و فرزند دوازده ساله‌اش احمد را به سلطنت تعیین نموده و عضدالملک سالخورده و ایلخان ایل قاجار را به عنوان نایب‌السلطنه انتخاب کرد. مجلس عالی، قانون انتخاباتی جدیدی را تصویب کرد که از جمله آن؛ لغو نمایندگی طبقات و مشاغل بود و کرسی‌های تهران را از ۶۰ به ۱۵ رساند. کرسی‌های ایالات را از ۹۶ به ۱۰۱ کرسی افزایش داد و چهار کرسی به اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده؛ یک کرسی برای کلیمیان، یک کرسی برای زرتشتیان و دو کرسی برای مسیحیان آسوری و ارامنه در نظر گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

دوران فترت بین مجلس اول و دوم، نزدیک شانزده ماه به طول انجامید (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۳۴). مجلس دوم شورای ملی در آبان ۱۲۸۸ش/۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م گشوده شد. «اعتدالی‌ها به‌طور نسبی در اکثریت بودند و دموکرات‌ها در اقلیت قرار می‌گرفتند. در همان روزها که انتخابات نمایندگان مجلس جریان داشت، چند تن فرقه دموکرات ایران را بنیاد گذاشتند. در سوی دیگر، محافظه‌کاران به هم پیوستند و فرقه اجتماعیون اعتدالیون «اعتدالی» را بنیان نهادند. چند حزب کوچک هم‌شکل گرفتند که از میانشان «ترقی‌خواهان جنوب» و «اتفاق و ترقی» از اهمیت نسبی برخوردار شدند. مبارزه اصلی بین دموکرات‌ها و اعتدالیون در گرفت. این دو حزب ماهیتی متفاوت از هم داشتند و تا حدی بر پایه طبقاتی شکل گرفتند. بسیاری از دموکرات‌ها وابسته به قشرهای میانه شهری بودند. کارمندان دولت و نظمیه، آموزگاران و دارندگان شغل‌های آزاد، بدنه حزب را تشکیل می‌دادند. در حزب اعتدالی، اعیان و اشراف، شاهزادگان، بزرگ مالکان، دیوان‌سالاران و علما حضور داشتند. برخی از بازرگانان و سران اصناف نیز از آن‌ها پشتیبانی می‌کردند» (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۳۱).

سرانجام مقدمات تشکیل مجلس دوم آماده شد و مراسم افتتاحیه آن، همچون مجلس اول، همراه با نواختن موزیک بود. عین‌السلطنه در خاطراتش می‌نویسد: بعد از رفتن شاه، «اول آقا سید عبدالله گفت: بگویید موزیک نزنند... بعد آقا سید عبدالله، افتتاح صحبت، تعریف و تمجید سپهدار اعظم و وزیر داخله کرد که از اطراف، فرمایش آقا را به مبالغه زیاد تصدیق کردند» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۹۲۶). این موضوع که موزیکی نواخته نشود، شاید سکوت برای انجام صحبت سید عبدالله بوده است و البته بحث مخالفت نیز می‌تواند مطرح باشد. در ادامه عین‌السلطنه می‌گوید: «جلوی مجلس را بسیار خوب بسته بودند. موزیک هم می‌زدند. مثل آن سال نبود که حجج‌اسلام تشریف داشته باشند و جشن بی‌موزیک باشد. بالای سر در هم دیگر زنده‌باد سیدین سیدین نبود... برای تماشای آتش‌بازی بالاخانه‌های حاجی معین‌السلطان رفتیم. الحق بسیار بسیار خوب آتش‌بازی بود، همه نوظهور، همه ممتاز» (همان، ۲۹۲۷). اگر اشاره عین‌السلطنه در جمله «مثل آن سال نبود که حجج‌اسلام تشریف داشته باشند و جشن بی‌موزیک باشد» به سال مراسم افتتاح مجلس اول شورای ملی برگردد، با این گفته ناظم‌الاسلام کرمانی که «موزیک نظام به ترنم عیش و سرور و تبریک مترنم آمد، تاکنون در ایران چنین سلامی دیده نشده بود که با حضور هفده نفر مجتهد مسلم لازم‌الاتباع زهاد عباد صدای موزیک بلند شود، چون تعظیم شعائرالله را باعث بود. لذا آقایان در مقام منع برنیا آمده بلکه موزیک شرعی را مستمع آمدند» (کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۵۵۴) در تناقض است.

بعد از آغاز به کار این مجلس، انتقاداتی از سوی موسیقی‌دان مشهور این عصر یعنی عارف قزوینی متوجه آن شد. از نظر او که در این سال‌ها تصنیف‌هایش با موزیک موردتوجه قرار دارد و کنسرت برگزار می‌کند (عارف قزوینی، ۱۳۰۳: ۱۴) تمامی هیأت حاکمه در سرقت ثروت ایران متهم‌اند:

خوانند و کیلان و خرابند وزیران  
بردند به سرقت همه سیم و زر ایران  
ما را نگذارند به یک خانه ویران  
یا رب! بستان داد فقیران ز امیران

در مجلس دوم شورای ملی طیف متنوعی از مذاکرات سیاسی و اجتماعی تا اقتصاد موسیقی مورد توجه و کلا بود که در ادامه به آن می‌پردازیم.

## ۱-۲. درخواست از وزارت داخله برای منع فونوگراف در معابر و کوچه‌ها و پاسخ

### وزارت بر عدم منع

«فناوری، موسیقی را از حریم دربار و اشراف به محیط عمومی آورد و گرامافون به وسیله‌ای عادی در قهوه‌خانه‌ها و سایر اماکن عمومی در ایران تبدیل شد» (مختاباد، ۱۳۹۹: ۱۰۸). این رواج و عمومی شدن فونوگراف/گرامافون در عصر مشروطه چندان بود که موضع‌گیری یکی از وکلای مجلس دوم شورای ملی را اینگونه در پی داشت:

«مؤتمن‌الملک: خواستم ببینم چرا وزارت داخله در باب منهیات شرعیه از قبیل فروش مسکرات و شیوع لاطاری و کوک‌کردن فونوگراف‌ها در معابر جلوگیری نمی‌فرمایند، چنانچه منتظر قانونی هستند که مجلس قانونی بگذارد، عرض می‌کنم مجلس نباید قانون بگذارد، این‌گونه قوانین همان قوانین شرعیه است که در هزار و سیصد سال قبل وضع شده است، حالا خوب است چه اقدامی فرمودند. بنده می‌بینم که لاطاری علناً گذاشته می‌شود و آشکارا اعلان می‌کنند بلبطش را می‌فروشند، همین‌طور فونوگراف صدایش متصل در کوچه‌ها شنیده می‌شود.

معاون وزارت داخله: مدتی است که در باب نهی منکرات و قمار و غیره اقدامات شده، نه این است که ابتدای اقدام، سوم محرم باشد، بلکه اعلان سوم محرم شده. اما در باب فونوگراف غالباً از خانه‌ها شنیده می‌شود، آن‌ها را نمی‌شود منع کرد و در دکانین همیشه نطق و خطابه است، محتاج

منع نیست و اداره پلیس اطمینان داده بود که علناً این ارتکابات نشود» (دوره ۲، مذاکرات ۶ محرم، ۱۳۲۸ ق).

در این جلسه تقی‌زاده جواب معاون وزارت داخله را کافی نمی‌داند و وحیدالملک بر سخنان مؤتمن‌الملک صحنه می‌گذارد. سخنان مؤتمن‌الملک و جواب معاون وزارت داخله، گویای استفاده مردم تهران از گرامافون/فونوگراف و برقراری موسیقی در خانه‌ها و فضای عمومی شهر است. لحن سخنان به گونه‌ای است که تکثیر شدن صدای موزیک، مایه بی‌قراری و نگرانی بخشی از وکلای مجلس شده است. اما جواب معاون وزارت داخله حاکی از رعایت حریم خصوصی افراد در خانه‌ها و یک استدلال مبنی بر مسبوق به سابقه بودن صداها و مختلف از دکان در تهران است.

ساسان سپنتا در کتاب تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران بیان می‌کند که شنیدن آواز خوانندگان و صدای ساز نوازندگانی که تا آن زمان برای عده‌ای محدود امکان‌پذیر بود، عمومیت یافت و بر شهرت آن هنرمندان در بین مردم افزوده بود. بعضی خانواده‌ها که علاقه و بضاعتی داشتند، به خریدن دستگاه گرامافون و تعدادی صفحه که متناسب با سلیقه آنان بود اقدام کردند. برخی اماکن عمومی مانند قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌ها نیز برای سرگرم کردن مشتریان خود از گرامافون استفاده می‌کردند. در آغاز رواج گرامافون و صفحه، مقاومتی‌هایی برای جلوگیری از آن وجود داشت. برای نمونه قسمتی از خاطرات مرحوم عبدالحسین اورنگ «شیخ‌الملک» به همین موضوع اشاره می‌کند:

«پس از ورود به اصفهان در ماه رجب ۱۳۳۲ ق/ [۱۹۱۴ م] بنا به سوابقی که با حضرت شیخ محمدتقی آقاجفی مجتهد معروف داشتم، خدمت ایشان مشرف شدم. ایشان به مرض استسقا مبتلا بودند. کنار بالین ایشان پس از شستن دست نشستم، تفقد بی‌نهایت نمودند. ضمناً از اهالی اصفهان شکایت فرمودند که خلق در امور دینشان لالایی و پایه دینشان سست شده است، به حدی که در اغلب دکانین جعبه گرامافون گذاشته‌اند» (سپنتا، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

سال‌ها بعد و به سال ۱۳۰۳ ش/ ۱۳۴۳ ق/ ۱۹۲۴ م اعلان دایره نظارت شرعیات در روزنامه‌ی ایران، «خاطر شریف آقایان را به قانون مصوب مجلس شورای ملی جلب می‌نماید که از قبول این گونه اعلانات "آلات لهو مثل پیانو و فروش مسکرات و غیره" خودداری فرمایند» (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۶۰-۳۵۷). به گفته مسعود کوهستانی‌نژاد این اعلان دایره نظارت شرعیات بر مطبوعات، راه به جایی نبرد و روزنامه‌ها به چاپ این گونه آگهی‌ها ادامه دادند. خریدوفروش گرامافون نیز که از سال‌های قبل از انقلاب مشروطه وارد ایران شده بود، گسترش یافت (همان، ۴۶). درمجموع، منابع و اسناد، فراگیر

شدن و رواج دستگاه‌های ضبط و پخش موسیقی در عصر مشروطه را نشان می‌دهند و منع‌های صورت گرفته چندان نتیجه‌بخش نبود.

## ۲-۲. استعفای غلام‌رضاخان موزیکالچی از بریکادی قزاق بعد از مشروطه

«بر طبق قرارداد بین دولتین ایران و روس، افسران و مستشاران روسی برای مدت سه سال به ایران مأمور شدند؛ لذا در سال ۱۲۹۹ ه.ق به‌جای سرهنگ پالکونیک، چارکوفسکی مأمور ایران شد. در زمان او سازمان قزاقخانه توسعه پیدا کرد و بنام تیپ "بریکاد قزاق" خوانده شد و یک دسته موزیک بر آن علاوه گردید» (سپهر، ۱۳۳۶: ۱۱۹).

در مجلس دوم؛ گزارشی از کمیسیون بودجه، راجع به حقوق صاحب‌منصبان مستعفی قزاقخانه خوانده شد. به گفته رئیس جلسه؛ وزارت جنگ پیشنهاد داده که خدمات این هشت نفر را لازم دارد. یکی از این هشت نفر غلام‌رضاخان موزیکالچی است که بعدها در موزیک نظام، نقش دوچندانی ایفاء کرد. در این جلسه، موضوع میزان و آینده حقوقی این صاحب‌منصبان نظامی اینگونه موردبحث گذاشته شد:

«سلیمان میرزا: این صاحب‌منصبان قزاقخانه از آن‌هایی هستند که از قزاقخانه استعفاء کردند و علت استعفایشان آن حس وطن‌پرستی بود که آن‌ها را به حرکت آورده بود و... اغلب نمایندگان می‌دانند که به‌واسطه وطن‌پرستی از قزاقخانه بیرون آمدند، اما اینکه آقای حاج شیخ اسدالله پرسیدند که آیا این اشخاص امروز در خدمت دولت هستند؟ بلی تمام این‌ها در خدمت دولت هستند، منتهی در قزاقخانه نیستند و در سایر ادارات نظامی مشغول خدمت هستند و اینکه می‌خواهند فرمان صادر شود برای مواجیشان، علتش این است که این اشخاص در بدو امر که قزاقخانه تشکیل شد، یک مقداری مهاجرین وارد قزاقخانه شدند، این‌ها هم از آن طایفه هستند که حقوق آن‌ها، آن وقت جزء بودجه قزاقخانه شد... مثل اینکه یکی از آن‌ها غلام‌رضاخان میرپنج است که الآن تمام موزیک، آن چیزها در تحت ریاست او است» (دوره ۲، مذاکرات ۷ ذی‌القعدة، ۱۳۲۸ ق).

«غلام‌رضاخان از اولین فارغ‌التحصیلان شعبه موزیک نظام بود و دوره موسیقی نظام را زیر نظر لومر به پایان رساند. وی سال‌ها فرمانده دسته‌های موزیک قزاقخانه در ایران بود. [به گفته هوشنگ اتحاد] در وقایع مشروطه به علت همفکری با مشروطه‌خواهان از خدمت در قزاقخانه دوری گزید و پس از چندی به‌منظور مطالعه به فرانسه رفت. در اوایل سلطنت احمدشاه به ایران بازگشت و با درجه سرتیپی به ریاست کل دسته‌های موزیک نظام (موزیک ژاندارمری، نظمیه، نصرت و گارد سلطنتی)

رسید» (اتحاد، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۵۲-۲۵۳). از نظر معاضدالسلطنه دولت برای تعلیم و انتظام قشون به چنین افراد تحصیل کرده و صاحب‌منصبی نیاز داشت:

«معاضدالسلطنه: عرض می‌کنم که اینجا خاطر آقایان مسبوق است که دولت مشغول انتظام قشون خودش است و برای تنظیم قشون صاحب‌منصب تحصیل کرده که عمل هم دیده باشد خیلی کم داشتند و در قزاقخانه تقریباً چهل و پنج نفر صاحب‌منصب ذخیره زیادی داشتند... و این هشت نفر را که از آنجا استعفاء دادند، داخل در خدمات نظام جدید کردند. مثلاً اینکه غلامرضاخان رئیس موزیکالچی‌ها و یحیی‌خان رئیس سوارهای قزوین هستند و همچنین سایر در طهران، در سایر ادارات مشغول خدمت هستند. وجود این‌ها برای دولت امروز خیلی خیلی غنیمت است، برای اینکه هم تحصیل کرده‌اند و هم عمل دارند و ما امروز این اشخاص را خیلی لازم داریم و به عقیده بنده همین‌طوریکه کمیسیون رأی داده است که حقوق آن‌ها به آن‌ها برسد، باید تصویب شود» (دوره ۲، مذاکرات ۷ ذی‌القعدة، ۱۳۲۸ق).

در پایان این جلسه، با اکثریت آراء درخواست این هشت نفر، از جمله غلامرضاخان امیر پنجه با بالاترین حقوق نسبت به سایر افراد به تصویب رسید. گفتنی است که غلامرضا مین‌باشیان چندین مارش نظامی و مارش ملی ایران را به نام «سلام رسمی دولت علیه ایران» در زمان انقلاب مشروطیت ساخت و نت بخش پیانو آن را به اروپا فرستاد و چاپ کرد. نت این سرود برای دولت‌هایی که انقلاب مشروطیت و دولت تازه ایران را به رسمیت شناخته بودند، فرستاده شد (اتحاد، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۵۸).

### ۲-۳. تداوم استفاده نظمیه از موزیک در شب

استفاده از ابزار موزیک برای اعلان ساعات عبور و مرور و هشدار در تاریخ موسیقی متداول بوده است. تداوم این موضوع در تاریخ موسیقی ایران در عصر مشروطه را می‌توان در خلال سخنان یکی از نمایندگان مشاهده کرد. در مذاکراتی که بر سر چگونگی و زمان نواختن موزیک از سوی نظمیه نبود، یکی از وکلای مجلس برای تلطیف بحث، اینچنین گفت:

«آقا میرزا مرتضی‌قلی‌خان: ... تصور نمی‌کنم که مجلس شورای ملی باید در نظام‌نامه داخلی حکومت و بلدیہ گفتگو کند، قانون بلدیہ را باید مجلس وضع کند، ولی بعد از اینکه مرتب شد، نظامات جزئیہ را که نباید مجلس وضع کند. مثل اینکه قانون نظمیه را مجلس وضع می‌کند. بعد از اینکه نظمیه

تشکیل شد، دیگر نظامات داخلی او را خودش باید فراهم بکند، مثل اینکه شب ساعت سه و نیم شیپور بکشند یا ساعت چهار و اگر رجوع شود، اسباب خنده خواهد بود» (دوره ۲، مذاکرات ۱۴ ذیحجه، ۱۳۲۸ق).

مرتضی‌قلی‌خان در این سخنان، به موضوع حدود و اختیارات وضع و اجرای قانون بلدیه اشاره دارد و مثالی از زمان شیپور زدن نظمیه می‌آورد که می‌تواند نشان از تداوم استفاده از شیپورهای شبانه برای برقراری نظم در اوایل عصر مشروطه داشته باشد.

## ۲-۴. یادآوری دوره استبداد صغیر و تشکیلات صونی نهاد سلطنت در باغ‌شاه

محمدعلی‌شاه که از آرام کردن سران آزادیخواه ناامید شد، پس از تهیه مقدماتی در جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش/۱۹۰۸م با هیاهو به باغ‌شاه رفت و سپاهیان جمع کرد. باغ‌شاه را اقامتگاه و سنگر خویش قرار داد و از مجلس خواست هشت تن: میرزا جهانگیرخان مدیر روزنامه صوراسرافیل، میرزا نصرالله ملک‌المکلمین، سید محمدرضای شیرازی مدیر روزنامه مساوات، سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، میرزا داودخان بهاء‌الواعظین و دو نفر دیگر را به او تسلیم نمایند (یغمایی، ۱۳۴۷: ۳۸). چند سال بعد از این واقعه که به «باغ‌شاه» مشهور است، صورت مشروح مذاکرات مجلس، خبر از استفاده نیروهای محمدعلی‌شاه از موزیک نظامی در حین این واقعه می‌دهد:

«وزیر داخله: در استبداد صغیر، باغ‌شاه یک قضای مخصوصی داشت؛ در آن وقت آنجا یک اوضاع غریبی بود که ابداً مشابهتی به بیرون باغ نداشت. مدتی که بنده آنجا بودم از بیرون خبری نداشتم، ولی بعد از آنکه بیرون رفتم، دیدم بیرون ابداً مناسبتی با درون باغ ندارد؛ در آنجا بگروبیند قدرت تامه است و طبل و شیپور، ولی در بیرون صداهای دیگر و هیجان ملی و محسوسات وطن‌پرستانه در غلیان است، به‌طوری‌که نزدیک است از اطراف دایره‌وار بیایند و باغ‌شاه را در میان خود بگیرند و غرق بکنند و در آنجا هم از عود مشروطیت به‌قدری ترسیدند و از آن کارهایی که نباید بکنند کردند که بالاخره... باغ‌شاه را سرنگون ساخت. حالا خدای‌نخواسته بنده می‌ترسم که ما هم از عود استبداد به‌قدری بترسیم و آن کارهایی که بایستی بکنیم، نکنیم، که خدای‌نخواسته یک روزی بیاید که پشیمان بشویم» (دوره ۲، مذاکرات ۱۴ ربیع‌الاول، ۱۳۲۹ق).

ادوارد براون هم در خصوص «باغ‌شاه» می‌گوید: محمدعلی‌شاه بعد از مستقر شدن در باغ‌شاه، برای پاره‌ای توضیحات؛ تقاضای دیدار با چند تن را از عضدالملک می‌کند. آن‌ها برای دیدار با شاه به باغ رفته و مورد استقبال شاه قرار گرفتند، اما بعد از پایان گفتگوها، با به صدا درآمدن شیپور، تعدادی

از آنان دستگیر می‌شوند (براون، ۱۳۸۰: ۱۹۳). این اشاره براون به استفاده از موزیک نظامی در باغ‌شاه در کنار گفته وزیر داخله در مجلس شورای ملی، مؤید چگونگی استفاده از ادوات موزیک نظامی در سرکوب مخالفان و مشروطه‌خواهان در آغاز دوره استبداد صغیر است. محمدعلی‌شاه در باغ‌شاه جنایاتی انجام داد که در بیشتر تواریخ عصر مشروطه از آن یاد کرده‌اند (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۶۳-۲۶۲؛ کسروی، ۱۳۸۳: ۵۹۳-۵۹۷). در واقع؛ موزیک باغ‌شاه محمدعلی‌شاه، صدای چیرگی دربار بود تا صدای مشروطه خواهی را به سکوت فرا بخواند.

## ۲-۵. اهمیت به موزیک قشون در کلام وکلای مجلس

نشانه‌هایی از توجه به موزیکانچیان در مذاکرات وکلای مجلس دوم وجود دارد. در جلسه (۲۲ ربیع‌الثانی، ۱۳۲۹ق) به موزیکانچی قشون در بخشی از آمارها اشاره می‌شود که نشان دهنده اهمیت موزیک در ساختار قشون ایران است. وقتیکه در جلسه (۱۹ جمادی‌الاول، ۱۳۲۹ق) وحیدالملک به اجزای قشون اشاره داشت؛ سواره، توپخانه، موزیکانچی را در کنار یکدیگر لحاظ می‌کرد. همچنین ماه بعد، برای چگونگی اعطای رتبه‌های نظامی مذاکراتی می‌شود که بخش موزیک نظام مورد مثالی یکی از وکلا است:

«مع‌هذا هر صاحب‌منصبی که رتبه در رفورم قدیم را داشته است، ممکن است که در رفورم جدید [رتبه] پایین‌تری را به او بدهند. مثلاً یک نفری که سرتیپی موزیک را داشته است، حالا در رفورم جدید سرهنگ است و خودشان هم خیلی خشنود هستند. برای اینکه حقوق رفورم جدید شاید زودتر برسد و شئونات آن‌ها هم خیلی بیشتر و عالی‌تر خواهد بود از امیر تومان‌های سابق» (دوره ۲، مذاکرات ۵ جمادی‌الآخر، ۱۳۲۹ق).

## ۲-۶. نطق برای حذف حقوق و مواجب عمله طرب

نظارت بر حقوق‌های دولتی در مجلس دوم ادامه یافت و اصلاح حقوق و پرداخت مواجب از مطالبات وکلا بود. افزون اینکه؛ آن‌ها دوره استبداد صغیر را پشت‌سر گذاشته و با نهاد سلطنت بیشتر درافتاده بودند. میرزا داودخان می‌گفت:

«اشخاصی را بنده می‌بینم که ابداً مجلس سزاوار نیست رأی بدهد در حق آن‌ها حقوق برقرار شود. مثلاً محمدحسین خان خوراک‌پز... و از همه این‌ها مضحک‌تر به عقیده بنده این است، مجلس

رأی بدهد که به عملۀ طرب موجب بدهند. محمدخان عملۀ طرب چهل تومان، یک چیز خیلی غریبی است. از آن‌ها بگذریم می‌رسیم به اشخاصی که به استبداد خدمت کرده‌اند که پریروز آقایان سلیمان میرزا یکی دو نفر از آن اشخاص را فرمودند» (دوره ۲، مذاکرات ۱۵ شوال، ۱۳۲۹ق).

مجلس دوم با تنوع مباحث موسیقی «عمرش در آخر شوال ۱۳۲۹ق/مهر ۱۲۹۰ش به پایان می‌رسید. اما وضع کشور پریشان بود. گروهی از آزادی‌خواهان این امر را محتمل می‌دانستند که در صورت تعطیلی مجلس، دولت انتخابات دوره سوم قانون‌گذاری را انجام ندهد یا مجلس جدید را نگشاید. به همین ملاحظه، انجمن ایالتی آذربایجان پیشنهاد کرد، شش ماه بر دوره مجلس دوم افزوده شود. دموکرات‌ها از این طرح پشتیبانی کردند و اعتدالیون مخالفت نشان دادند. اما درنهایت نمایندگان رأی دادند تا زمانی که نصف به‌علاوه یک نمایندگان مجلس سوم انتخاب‌نشده و مجلس جدید را تشکیل نداده‌اند، به کار خود ادامه دهند. بنابراین از ابتدای ذی‌القعدة ۱۳۲۹ق/آبان ۱۲۹۰ش] حیات مجلس افزون بر دوره قانونی‌اش بود. اما نه وزیران و نایب‌السلطنه، تصمیم نمایندگان را غیرقانونی دانستند، نه مقام‌های روسی و انگلیسی آن را برخلاف منافع شمردند. در گفت‌وگو بین مقام‌های وزارت خارجه روسیه و انگلیس یا بین بختیاری‌ها با وزیرمختارهای دو دولت، گاه به بستن مجلس اشاره می‌شد، اما همگی آنان چنین کاری را غیرقانونی می‌دانستند. به همین دلیل، برای انحلال مجلس واژه کودتا را به کار می‌بردند» (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۵۱). به این ترتیب [در سال ۱۲۹۰ش]، کودتای بختیاری به بستن مجلس دوم انجامید و قوه قانون‌گذاری به مدت سه سال در تعطیل ماند (همان، ۱۷۷).

### ۳. مجلس شورای ملی؛ کوتاه‌مدت و بی‌مسئله از موزیک

دوران فترت بین مجلس دوم و سوم، نزدیک سه سال به طول انجامید. در این سال‌ها ناصرالملک (نایب‌السلطنه) زمامدار امور مملکت بود. با به سن بلوغ رسیدن احمدشاه و رفتن ناصرالملک، انتخابات دوره سوم آغاز شد و در آذرماه ۱۲۹۳ش/۱۳۳۳ق/۱۹۱۴م مجلس افتتاح شد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۵۹). مجلس سوم، بلافاصله پس از آغاز جنگ جهانی اول تشکیل شد و نمایندگان، رهبران دموکرات‌ها و اعتدالیون را به عضویت کمیته مقاومت ملی برگزیدند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۳۹). تحقیق مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد: چهار گروه سیاسی در مجلس سوم حضور داشتند: دموکرات، اعتدالی، هیأت علمیه و بی‌طرف‌ها (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۶۸). اما با آغاز جنگ جهانی اول و باوجود اعلام بی‌طرفی، ایران اشغال شد

و در پی جنبشی که به نام «حرکت مهاجرت» شکل گرفت، بیشتر نمایندگان از پایتخت بیرون رفتند. مجلس از اکثریت افتاد و خودبه‌خود [در آبان ۱۲۹۴ش] تعطیل شد. در مجموع؛ قوه قانون‌گذاری بیش از یازده ماه نپاییده بود و در سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰ش، مجلس در فترت ماند (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۸۸؛ اتحادیه، ۱۳۷۵: ۹). مجلس سوم به سبب بروز جنگ جهانی اول، عمری کمتر از یک سال داشت و عملکردش گسترده نبود (خاکسار، ۱۳۹۵، ۹۵). زمان کوتاه مجلس و متعاقباً تعداد جلسات کم به همراه مشکلات داخلی و خارجی ایران، این فرصت را نداد تا در این مجلس، تنوع مذاکرات و در پی آن گفتگوهای در خصوص موزیک شکل بگیرد.

#### ۴. مجلس چهارم شورای ملی

مجلس چهارم پس از یک دوره فترت طولانی و پر اغتشاش و در یک اوضاع نابسامان آغاز به کار کرد. این مجلس پس از پنج سال و چند ماه فترت در اول تیرماه ۱۳۰۰ش/۱۳۳۹ق/۱۹۲۱م توسط احمدشاه قاجار گشایش یافت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۷۷-۹۴). محافظه‌کاران اکثریت مجلس چهارم را تشکیل می‌دادند. جالب اینکه؛ موفقیت این گروه نتیجه قانون انتخاباتی بود که در دوران پرجوش و مرج مجلس سوم تصویب شد. یعنی اعطای حق رأی به همه مردان، از جمله روستاییان که ناخواسته نخبگان روستایی را تقویت کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۵۱). حزب اقلیت این مجلس را سوسیالیست‌ها تشکیل می‌دادند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۹۲).

#### ۴-۱. جمع‌آوری اعانه برای حریق‌زدگان آمل و غارت‌زدگان ارومیه در بهارستان

یکی از جنبه‌های فرهنگی جدید در دوره قاجار، برگزاری گاردن پارتی بود. در این برنامه‌ها استفاده از گروه‌های تئاتر و موسیقی و حتی نمایش فیلم، جزء جدایی‌ناشدنی بود. گاهی از گاردن پارتی برای اعانه امور خیریه و عام‌المنفعه استفاده می‌شد. مجلس شورای ملی در همین راستا و با همکاری دولت برای اجرای چنین مراسمی همکاری می‌کرد. در مشروح مذاکرات مجلس چهارم به «جشن‌ها و پذیرایی عمومی در غیاب مجلس» اشاره شده است که گاردن پارتی‌های حریق‌زدگان آمل و غارت‌زدگان ارومیه از آن جمله‌اند:

«در شهر رجب ۱۳۳۵ق [برابر حمل ایلان ثیل ۱۲۹۶ش] که برحسب اراده اعلیحضرت

همایونی کمیسیونی برای اعانه حریق‌زدگان آمل تشکیل یافت. برای مساعدت به اعانه مزبوره، گاردن پارتی در بهارستان را تصویب نمودند و به عمل آمد» (دوره ۴، مذاکرات ۲۵ ذیحجه، ۱۳۳۹ق). در این مراسم درویش‌خان تصنیف بهار دلکش را - ابتدای سال ۱۲۹۶ش/۱۳۳۵ق/۱۹۱۷م - در جشن مجلس شورای ملی به نفع حریق‌زدگان شهر آمل اجرا کرد. این کنسرت در باغ مجلس شورای ملی برگزار شد (صفرزاده، ۱۳۹۴: ۴۵-۵۱). به گفته جریده ناهید: «[درویش‌خان با سرپرستی کنسرت و] با چند تار سیم آلت موسیقی و با نت‌های ابتکاری خودش به فریاد استغاثه حریق‌زدگان آمل، حریق‌زدگان بازار تهران و غارت‌شدگان ارومیه جواب و لبیک گفت و دست آنها را گرفت... و از پریشانی نجات داد» (همان، ۱۱۲). در خصوص گاردن پارتی غارت‌زدگان ارومیه نیز در مشروح مذاکرات آمده است:

«در شهر شعبان ۱۳۳۷ق [مطابق برج ثور قوی ئیل ۱۲۹۸ش] برحسب تصویب کابینه آقای وثوق‌الدوله برای کمک به غارت‌زدگان ارومیه گاردن پارتی منعقد گردید» (دوره ۴، مذاکرات ۲۵ ذیحجه، ۱۳۳۹ق).

در همین خصوص جریده رعد (ش ۶۹، پنجم تیر ۱۲۹۸ش) در گزارشی با عنوان «معاونت به غارت‌شدگان ارومیه» نوشت: «گاردن پارتی بهارستان به منفعت غارت‌شدگان ارومیه در تحت توجهات و ریاست عالییه حضرت اشرف، آقای [حسن] وثوق‌الدوله رئیس‌الوزرا دامت شوکه در [اوایل خرداد ۱۲۹۸ش] برگزار شد. از آقای درویش‌خان رئیس ارکستر و میرزا یوسف‌خان و سایر آقایان اعضای ارکستر که مدت چند روز با یک رغبت مخصوص مشغول زحمات و خدمت‌گزاری شدند، کمال امتنان داریم. امین‌الملک [اسماعیل مرزبان] رئیس کمیسیون گاردن پارتی» (صفرزاده، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲).

یکی از کارکردهای هنری در عصر مشروطه، برگزاری کنسرت، تئاتر، سینما و... برای امور خیریه و اعانه به نیازمندان بود. این فعالیت از جهتی به علاقه‌مندسازی، تثبیت و مشروعیت هنرهای مذکور در فرهنگ جامعه یاری می‌رساند و علاوه بر اعتبار فرهنگی برای هنرمندان و متولیان این امر، عواید خوبی را نصیب مردم نیازمند می‌کرد.

#### ۴-۲. تصویب بودجه مدرسه موزیک در مجلس

در مجلس چهارم شورای ملی، مذاکراتی برای بودجه معارف و اوقاف شکل گرفت. برخی نمایندگان عقیده داشتند؛ سایر ایالات و ولایات باید به تناسب از بودجه معارف و اوقاف برای احداث و تجهیز

مدارس منتفع شوند و به بودجه معارف و اوقاف پایتخت انتقاد کردند. در میانه این مذاکرات به بودجه اختصاصی مدارس خاص تهران، یعنی دارالفنون، مدرسه موزیک و مدرسه طبّی اشاره رفت (دوره ۴، مذاکرات ۴ جمادی‌الثانی، ۱۳۴۰ق). براساس دستور وزیر معارف (نصیرالدوله) در جمادی‌الاول ۱۳۳۷ق/۱۲۹۷ش/۱۹۱۹م کلاس موزیک به مدرسه موسیقی و دارای دو کلاس ابتدایی و عالی تبدیل‌شده بود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۲). درواقع کلاس موزیک از دارالفنون جدا شد و به‌صورت یک مدرسه مستقل زیرنظر وزارت معارف به کار خود ادامه داد. در این مدرسه به‌جز شاگردان نظامی که موزیک نظام می‌آموختند، شاگردان غیرنظامی به فراگرفتن موسیقی کلاسیک می‌پرداختند (درویشی، ۱۳۹۴: ۳۴).

این موضوع از آن جهت می‌تواند مهم به نظر رسد که در کنار دو مدرسه دارالفنون و طب، یک مدرسه هنری، آن هم مدرسه موزیک، بخشی از فعالیتش تحت پوشش بودجه دولتی قرار دارد. این موضوع گواه دیگری است که هنر موزیک برای نهاد قدرت در ایران، اهمیت خود را همچنان حفظ کرده است؛ چراکه آموزش نیروی موزیکانچی نظامی از دل چنین مدرسی بود. چند ماه بعد از افتتاح این مدرسه، صاحب‌منصبان قزاقخانه و وزارت جنگ از مدرسه موزیک در سال ۱۲۹۸ش/۱۳۳۷ق/۱۹۱۹م بازدید کردند (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۲). خبر تصویب بودجه این مدرسه برای سال ۱۳۰۱ش هم در روزشمار تاریخ معاصر ایران وجود دارد (فراهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۳۵). چند سال بعد در مقاله‌ای به سال ۱۳۰۳ش/۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م در روزنامه قانون فردی به نام حسن نوری از وزیر جدید معارف خواست «با توجه به بودجه مجلس چهارم برای مدرسه موزیک و اعتماد مردم به سردار سپه و سردار سپه به شما، قدم‌های اصلاحی برداشته تا وضعیت مدرسه با فلاکت نباشد» (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۸).

#### ۳-۴. حکم «احترام تصرف» از منظر شیخ‌الاسلام اصفهانی و احترام به حریم شخصی

##### برای تفتیش ساز

در مجلس چهارم شورای ملی، میان شیخ‌الاسلام اصفهانی و وزیر عدلیه گفتگوهایی در باب تصرف یک ملک صورت گرفت. شیخ‌الاسلام اصفهانی در مقدمه‌ی صحبت خود برای اثبات گفته‌هایش، گریزی دارد به حکم «احترام تصرف» و می‌گوید:

«حکم احترام تصرف هم از احکام مختصه اسلام نیست و در تمام مذاهب و ادیان، تصرف محترم است و از احکام اولیه و طبیعی است و اگر پنج دقیقه این حکم از دنیا برداشته شود، شاید

مستلزم قتل میلیون‌ها نفوس بشود. این کتابچه را هم بنده کار ندارم که قانون هست یا نیست (اشاره به قوانین عدلیه) مطابق قوانین اسلام است یا نیست، اگرچه به عقیده بنده این‌ها قانون نیست. قانون باید از مجلس شورای ملی بگذرد و من حیث المجموع هم این کتابچه‌ها مخالف است با ضروریات دین اسلام و این کتابچه‌ها هم مفتاح و وسیله امر به معروف و نهی منکر نیست. امر و نهی، تحقیق و تفتیش ندارد و امور عدلیه از اول تا آخر حکایت تحقیق و تفتیش است. پس به محض اینکه یک نفر گفت در فلان خانه مشروب هست، ساز هست، قمار هست، اگر نردبان گذاردند و از دیوار خانه مردم بالا رفتند و داخل خانه مردم شدند و تحقیق و تفتیش کردند، فعل حرام را مرتکب شده‌اند. همین‌طور است وقتی که حسن بگویند من ده تومان از حسین می‌خواهم، اگر حسین را تعقیب کردند و به حدود آزادی او لطمه وارد آوردند، فعل حرام کرده‌اند. ادعا محاکمه می‌خواهد...» (دوره ۴، مذاکرات ۱ شعبان، ۱۳۴۰ق).

این کلام نشان از آن دارد که مسئله ساز زدن و پیگردهای نظمیه و عدلیه از چالش‌های جامعه آن زمان محسوب می‌شده که در ذهن شیخ الاسلام به عنوان یک مثال، توان ارائه پیدا می‌کند. وی عقیده دارد نظمیه‌ها «به محض اینکه یک نفر گفت در فلان خانه مشروب هست، ساز هست، قمار هست، اگر نردبان گذاردند و از دیوار خانه مردم بالا رفتند و داخل خانه مردم شدند و تحقیق و تفتیش کردند، فعل حرام را مرتکب شده‌اند». از جهتی این سخنان نشان از پیچیدگی‌های نوشتن قانون برای کشوری دارد که در آن یک سری قوانین شرعی و عرفی جاری است و بدست آوردن یک مکتوب قابل اجماع، کار آسانی نیست.

دوره چهارم مجلس شورای ملی در اول تیرماه سال ۱۳۰۰ش/۱۳۳۹ق/۱۹۲۱م منعقد شد و عمر دوساله خود را تا خردادماه سال ۱۳۰۲ش/۱۳۴۱ق/۱۹۲۳م سپری کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۱۱).

## ۵. مجلس پنجم شورای ملی

مجلس پنجم شورای ملی پس از [حدود] هفت ماه فترت، در روز ۲۲ بهمن‌ماه سال ۱۳۰۲ش/۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م با نطق محمدحسن میرزای ولیعهد، افتتاح شد. فراکسیون‌های فعال در مجلس پنجم شورای ملی، بنابر تعداد اعضای آن‌ها عبارت بودند از: فراکسیون‌های تجدد به رهبری سید محمد تدین، سوسیالیست به رهبری سلیمان میرزا و اصلاح‌طلب به رهبری مدرس (همان،

۱۱۲-۱۱۱). حزب تجدد که با کمک رضاخان در مجلس پنجم صاحب اکثریت شد، از جوان‌های تحصیل کرده غرب که بیشتر پشتیبان دموکرات‌ها بودند، تشکیل می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۵۱). عین‌السلطنه در خاطرات افتتاح مجلس پنجم از نواخته نشدن موزیک در این مراسم خبر می‌دهد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۸: ۶۶۸۰). وی همچنین از اینکه یک نفر آوازه‌خوان در مجلس پنجم به‌عنوان نماینده انتخاب شده است، ابراز تعجب می‌کند و می‌نویسد: «وکیل‌های جدید از سابق تعجب‌آورتر است؛ [یکی] عطاء، که خود را عطاءالملک لقب داده... [و دیگری] ناصر روضه‌خوان مقلد و آوازه‌خوان مجالس» (همان، ۱۳۷۶). وی در ادامه از اینکه وکالت علی دشتی رد می‌شود، ولی وکالت ناصر سیف آوازه‌خوان تأیید، سخن می‌گوید و شعری به نقل از کوهی کرمانی می‌آورد که برای ناصر سیف سروده است (همان، ج ۹: ۷۰۷۹-۶۹۸۵).

با چه استحقاق رفته پارلمان      یک‌دهن آواز پس آنجا بخوان

همین سابقه آوازخوانی ناصر سیف در نمایندگی او این فرصت را به نقادانش می‌داد تا در وقتش به مطربی او اشاره کنند. روزنامه اصلاح مورخ ۱۴ برج جوزا سال ۱۳۰۳ش/۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م به صاحب امتیازی و مدیریت میرزا محمدرضا اصلاح بوشهری می‌نویسد:

«وقتی که شماره سوم این جریده را منتشر نمودیم تازه زمزمه جمهوریت را بلند کرده بودند و یک عده روزنامه‌های معلوم‌المسلک با بودجه‌ها و مخارج سنگین برای پیشرفت این مقصود نامقدس که جز تضییق آزادی و فشار به وطن‌پرستان نظری نداشتند و می‌خواستند استبداد را به لباس جمهوریت بر ملت تحمیل کنند به کار افتاده بود! اکنون که هجوم‌آورندگان به اعراض و نوامیس و حمله‌کنندگان به دین و آیین و متمدین به مقدمات و قوانین دست از بی‌شرمی و بی‌حیایی برداشته و از سکوت ما سوءاستفاده نموده‌اند، ناچار از بی‌طرفی خارج شده و بیشتر از این جایز نمی‌دانیم... این ناصر سیف نیست که این کلمات را در روزنامه انتشار می‌دهد، زیرا ناصر سیف هویتش در جامعه معلوم است. اگر مجلس پنجم به وجود ناصر سیف‌ها افتخار می‌کند، دلیل عالی‌مقامی ناصر سیف نیست، بلکه برهان قاطعی است بر کوچکی آنهایی که در عدد امثال ناصر سیف شمرده می‌شوند. ناصر سیف آوازه‌خوان که از مجالس بزم و طرب معاش خود را تأمین می‌کند و آلت ملعبه و تفریح هرزه‌درایان است چه قیمت و چه مقداری دارد؟! کوچکتر از این است که محل اعتنا واقع شود! قلم عار دارد که نام او را در این صفحات بنگارد. همه می‌دانند که شغل آوازخوانی و عضویت در مجامع فسق و فجور با عیش و طرب و امثال این قبیل مجالس موافق شرع اسلام، فعل حرام است و یک چنین کسی برطبق شریعت مقدسه اسلامی باید حد بخورد و عادات و رسوم ایرانی یعنی جامعه

مسلمین، غیر از اروپا است. این قبیل مشاغل در اروپا آزاد و شاید در نظر اروپاییان گناه و خلاف نباشد، لیکن در ایران متصدی اینگونه مشاغل گناهکار و مجرم بوده و برخلاف عادات و رسوم مسلمین رفتار نموده است» (اصلاح بوشهری، ۱۳۹۷: ۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶).

اتفاقات مجلس پنجم نشان داد که موسیقی همانگونه که برای یک نماینده مانند ناصر سیف می‌تواند حاشیه ایجاد کند در خصوص احمدشاه نیز این توان را دارد. موضوع شرکت در مجالس عیش و طرب از سوی احمدشاه در پاریس، ازجمله مذاکرات مجلس پنجم بود که به آن می‌پردازیم.

## ۵-۱. لفظ «شرکت در مجالس عیش و طرب» در توصیف سفر احمدشاه به پاریس و

### زمینه‌های انتقال قدرت

مهم‌ترین موضوعی که با موسیقی و طرب در مذاکرات مجلس پنجم در ارتباط است، مربوط است به صحبتی از فروش جواهرات سلطنتی توسط احمدشاه. موضوعی که در سؤال ضیاءالواعظین از وزارت مالیه در همین باب مطرح می‌شود. وزیر مالیه نیز در جواب او و سایر نمایندگان برآمده و ماجرای غارت کردن جواهرات سلطنتی را رد می‌کند. این موضوع با خواندن خبری از شاه ایران در یک روزنامه پاریسی، توسط ضیاءالواعظین این‌چنین مطرح می‌شود:

«در روزنامه پاریس سوار که در عداد جرائد بااهمیت فرانسه است، خبری راجع به فروش جواهرات ایران اشاعه یافته که اصل آن را تقدیم مقام ریاست مجلس شورای ملی می‌کنم و ترجمه‌اش را عرض خواهم کرد. این است اصل خبر که در آن روزنامه درج شده به فرانسه تقدیم حضرت رئیس خواهم کرد. ترجمه آن: (مورخه، دوشنبه دهم مارس ۱۹۲۴، صفحه ۲) شاه ایران یکی از مهمان‌های کنونی کوت‌دازور است، در تمام مجالس عیش و طرب دیده می‌شود. (یک نفر از نمایندگان؛ آقا سؤالتان را بفرمایید). ضیاءالواعظین: بنده خیلی مواظب هستم که از حدود نزاکت خارج نشوم و مخصوصاً در این قسمت سعی می‌کنم که از حدود نزاکت خارج نشوم، والا قسمت‌هایی از نظر من گذشت، آن قسمت‌ها را هم عرض می‌کردم! شاه ایران یکی از مهمان‌های کنونی کوت دازور است (شاید بعضی از آقایان بدانند کجا است) در تمام مجالس عیش و طرب دیده می‌شود. احتراماتی را که نسبت به او معمول می‌دارند، بدون نمایش می‌پذیرد و در جاهای دیگر هم حاضر می‌شود که اگر انسان وارد شد، پول خیلی لازم دارد. (روزنامه می‌گوید) آیا کسی که به اینجاها می‌رود و پول خیلی لازم دارد، ممکن [است] بی‌پول بشود. (می‌گوید) نمی‌دانم ولی آن قدر هست که این روزهای

اخیر، مقداری جواهرات فروخته است. می‌گویند شخصی که از طرف بعضی آمریکایی‌ها واسطه بوده، بیست میلیون فرانک به او پرداخته است» (دوره ۵، مذاکرات ۸ شوال، ۱۳۴۲ق).

همان‌گونه که در متن بالا مشاهده می‌شود، ترجمه خوانده‌شده از روزنامه پاریسی به زبان فارسی از حضور احمدشاه در مجالس «عیش و طرب» حکایت می‌کند و این کلمات در زبان ضیاءالواعظین تبلور دارد. این موضوع که کلمه عیش و طرب معادل ترجمه چه کلمه‌ای در زبان فرانسه بوده است، بحث خود را می‌طلبد. در دوره قاجار عناوینی چون «عمله طرب» و «مطرب» به کسانی که در کار ساز و آواز بودند، اطلاق می‌شد. ترکیب واژگان عیش و طرب در زبان فارسی می‌تواند این‌گونه به ذهن یک ایرانی متبادر کند که احمدشاه در مجالس رقص و آواز رفت‌وآمد دارد و یا به خوش‌گذرانی رفته است. درعین‌حال، بحث فروش جواهرات سلطنتی هم در میان است. چنین دیالوگ‌هایی در سال‌های پایانی پادشاهی احمدشاه قاجار در خصوص عکس انداختن احمدشاه با زنان در پاریس نیز به فضای جامعه ایران راه‌یافته بود. عین‌السلطنه در کتاب خاطراتش معتقد است: «مسیو نوز بلژیکی در بال ماسکه عمامه گذاشت، عبا پوشید و بعد عکس انداخت، ملت غیور طاقت نیاورد که کافر لباس اسلام بپوشد، مشروطه شد. امروز شاه در پاریس کلاه‌فرنگی گذاشته با زن عکس انداخته، ملت ایران و قان‌دین قوم راضی نمی‌شوند مسلم به لباس اهل کفر و زندقه درآید، باید جمهوری شود» (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۹: ۶۷۲۵). این موضوعات در خاطرات تاج‌الملوک همسر رضاشاه انعکاس یافته و می‌گوید:

«در این موقع سلطان احمدشاه در پاریس با زن‌های خوشگل فرانسوی روزگار می‌گذراند و روزنامه‌های فرنگ عکس او را با رقاصه‌ها و مطرب‌های فرانسوی چاپ می‌کردند. انتشار عکس‌های سلطان احمدشاه با زنان نیمه‌لخت فرانسوی باعث شد، موج مخالفت علما و مردم با احمدشاه بلند شود و مردم گفتند؛ سلطان احمدشاه پادشاه یک مملکت مسلمان است، نباید این‌طور آبروی اسلام و مسلمین را برد. از همین ایام سیل تلگرام از اقصی نقاط مملکت به طرف تهران سرازیر شد و فرماندهان قشون و استانداران ولایات و کسبه و اقشار مردم از هر صنف و گروه و دسته، بلااستثناء از رضا می‌خواستند سلطان احمدشاه را مرخص و خود ریاست مملکت را به عهده بگیرد. این بود که رضا تصمیم گرفت در ایران جمهوری اعلام و خود رئیس جمهوری شود، اما علمای قم با این امر مخالفت کردند» (آیرملو/پهلوی، ۱۳۹۱: ۴۸-۴۹).

این قبیل مسائل، حول محور هنرهایی چون موسیقی و عکاسی فضا را برای تضعیف چهره احمدشاه بازتر کرد و سرانجام در کنار سایر عوامل، قاجارها را از صحنه قدرت در ایران، برکنار ساخت.

### ۵-۲. اخذ مالیات از نمایش و تفریحات عمومی

مظاهر تمدنی جدید بیش از پیش جایگاه خود را در جامعه ایران پیدا کرده بودند. همین موضوع سبب شد تا نمایندگان مجلس پنجم به فکر گرفتن مالیات از «مجالس نمایش و تفریحی عمومی، نمایشگاه‌های صنعتی و امثال آن، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ورزش و مسابقه» باشند. آن‌ها در طی دو جلسه بحث و گفتگو، سرانجام تصویب کردند تا از بلیط‌های ورودی به مجالس ذکر شده «اعم از اینکه بلیط‌های ورودیه برای یک یا چند جلسه یا به طور دائم باشد، حق تمبر مأخوذ شود» (دوره ۵، مذاکرات ۱۵ محرم، ۱۳۴۳ ق). با اینکه این قانون به صورت موجز مصادیق نمایش‌های هنری را ذکر نمی‌کند، اما به زبان آن روزگار، نمایش‌های هنری مانند: سینما، تئاتر، کنسرت و... را شامل و این هنرها را تحت تأثیر قرار می‌داد.

### ۵-۳. توجه به موزیک و محصولات صوتی در کلام و کلای مجلس

در مشروح مذاکرات مجالس عصر مشروطه، برخی از مباحث موزیک به صورت فرعی در سخن نمایندگان بیان شد و یا برای اقناع بیشتر مخاطبان خود، مثال‌هایی را استفاده نمودند که به موزیک مرتبط بود. این مطلب تا پایان مذاکرات مجلس پنجم در عصر مشروطه قابل پیگیری است و یکی از وکلا که انتظار تمام شدن بیماری مالاریا را داشت، کلامش را با مثالی از پیشرفت دستگاه‌های ضبط و پخش صوتی این چنین تکمیل نمود:

«یک‌زمانی بود که جعبه حبس صوت [فونوگراف/گرامافون] می‌آوردند، حالا می‌بینیم... عوض جعبه حبس صوت، تلگراف بی‌سیم [امواج رادیویی] می‌آورند. در عوض آن سگ بزرگی که در خیابان ناصریه می‌دیدیم، حالا تانک و اتومبیل جنگی می‌بینیم... پس آن موقع من انتظار نداشتم که مرض مالاریا در مملکت موقوف شود، ولی امروز این انتظار را دارم» (دوره ۵، مذاکرات ۲ جمادی‌الاول، ۱۳۴۴ ق).

دوربین‌های عکاسی و سینما در حوزه تصویری و فونوگراف/گرامافون‌ها در حوزه صوتی، ایران عصر مشروطه را در بر گرفته بودند. این تحولات انقلاب صنعتی چندان سرعت داشتند که هرچند

وقت یک‌بار، مثالی از آن‌ها در کلام نمایندگان پدیدار می‌کرد. ایرانیان اواخر قاجار به‌خوبی دریافته بودند که باید منتظر محصولات جدید انقلاب صنعتی باشند و در این میان، سهم محصولات جدید هنری با آمدن دستگاه‌های صوتی و تصویری چندان شده بود تا سطح توقعات مردم را تغییر دهد. اگرچه در میانه این تغییر و تحولات فناورانه، سهم تولید فناوری در ایران آن روزگار آنچنان نبود، اما تغییر و تحولات سیاسی از پی یکدیگر برای ایران برقرار بود.

با تشدید فضای تغییر و تضعیف شخصیت احمدشاه در مجلس پنجم «سرانجام عمر دوساله مجلس پنجم در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۰۴ش/۱۳۴۴ق/۱۹۲۶م پایان یافت. ماده واحده تغییر سلطنت و خلع قاجاریه در همین مجلس تصویب شد و با افتتاح مجلس مؤسسان، پادشاهی به پهلوی انتقال یافت» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

### نتیجه‌گیری

مجلس اول شورای ملی در مراسم گشایش با موزیک کارش را آغاز کرد و در ادامه با تصویب قانونی برای استعمال اسلحه به شرط هشدار موزیک نظام که زیرمجموعه قوانین «تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» بود، موزیک را به قانون‌گذاری وارد ساخت. این مجلس در پی مشروطیت و حساسیت به حقوق و مواجب به اصلاح حقوق موزیکانچیان فوج جلالی از سوی انجمن اصفهان پرداخت و در جلسات متعدد، درگیری میان تجار و موزیکانچیان زنجان را که چهره قدرتشان را عریان کرده بودند، پیگیری کرد. درنهایت با موزیک از محمدعلی‌شاه برای سوگند به اساس مشروطیت استقبال کرد که خلاف آن سوگند، چند مدت بعد اثبات شد و در جواب ساز، طبل و شیپورهای باغ‌شاه، آغاز دوره استبداد صغیر را اعلام کردند. قانون مطبوعاتی مجلس اول هم زمینه‌های تفسیر ممنوعیت اعلان آلات موسیقی در جراید را فراهم کرد که موردی از آن در سال‌های پایانی عصر مشروطه اتفاق افتاد. مجلس دوم که از خاکستر دوره استبداد صغیر شعله کشید، با سؤال مؤتمن‌الملک برای منع فونوگراف، رابطه‌اش را با موزیک آغاز کرد که با استدلال‌های معاون وزارت داخله مواجه شد. مسئله‌ی بعدی؛ حقوق جمعی از صاحب‌منصبان مستعفی قزاقخانه از جمله غلامرضاخان موزیکانچی بود که از روی حس وطن‌پرستی و نیاز دولت به صاحب‌منصب تحصیل‌کرده از قزاقخانه جدا شده بودند تا به نیازهای قشون جدید رسیدگی کنند. در ادامه جلسات مجلس، وکلا در میانه کلامشان، تاریخی از موسیقی عصر مشروطه را در مجلس بازگو کردند که بیانگر تداوم استفاده نظمیه از موزیک در شب و استفاده نیروهای محمدعلی‌شاه از موزیک در واقعه

باغ‌شاه بود. مجلس سوم که عمری کوتاه داشت، مسئله‌ای مرتبط با موزیک پیدا نکرد. مجلس چهارم شورای ملی، بودجه مدرسه موزیک را تصویب کرد و شیخ‌الاسلام اصفهانی در مذاکرات مربوط به تصرف یک ملک در مجلس چهارم، با استناد به حکم احترام تصرف به رعایت حریم خصوصی افراد اشاره داشت و در مثالی از عدم بالا رفتن با نردبان برای توقیف ساز در خانه‌ها صحبت کرد. دو گاردن پارتی همراه با کنسرت برای اعانه به حریق‌زدگان آمل و غارت‌زدگان ارومیه در بهارستان، جنبه‌ی دیگری از کارکرد اقتصادی و اجتماعی موزیک را در مذاکرات مجلس نشان داد. نمایندگان تا مجلس پنجم از موزیک و ابزار صوتی برای تلطیف سخنان خود استفاده کردند و در مجلس پنجم به دستگاه حبس صوت و تلگراف بی‌سیم برای بیان پیشرفت‌های جهانی و انتظار رفع بیماری مالاریا اشاره شد. در این مجلس قانونی تصویب شد تا از مجالس نمایش و تفریح‌های عمومی و... مالیات اخذ شود که می‌توانست کنسرت‌های موزیک را هم شامل شود. اما مسئله مهم دیگر در این مجلس، استفاده از لفظ شرکت کردن در مجالس «عیش و طرب» برای توصیف سفر احمدشاه به پاریس از سوی ضیاءالواعظین بود که علاوه بر جنبه آگاهی‌رسانی برای نمایندگان، شخصیت احمدشاه قاجار را نشانه رفت و در نهایت موسیقی در یک کارکرد مهم سیاسی ظاهر شد. چندی بعد مجلس پنجم با تصویب خلع قاجاریه گام نهایی را برداشت.

## منابع

- اتحاد، هوشنگ، *چهره‌های موسیقی ایران معاصر*، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.
- اتحادیه، منصوره، *مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه*، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۷۵.
- اصلاح بوشهری، محمدرضا، *خاطرات مطبوعاتی محمدرضا اصلاح بوشهری (دریسی کازرونی) از جنگ جهانی اول (۱۳۳۶-۱۳۳۳ ه.ق/ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م)*، بوشهر، بنیاد ایرانشناسی و تهران، صفحه سفید، ۱۳۹۷.
- آبراهامیان، پروانه، *ایران بین دو انقلاب*، تهران، نی، ۱۳۸۹.
- آریان‌پور، امیراشرف، *موسیقی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب جمهوری اسلامی ایران*، تهران، متن، ۱۳۹۳.
- آلمانی، هانری رنه د، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- آیرملو/پهلوی، تاج‌الملوک، *خاطرات تاج‌الملوک در گفتگو با ملیحه خسروداد، تورج انصاری، محمودعلی باتمانقلیچ*، ویراسته مصطفی اسلامی، تهران، نیلوفر، ۱۳۹۱.
- براون، ادوارد گرانویل، *انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، کویر، ۱۳۸۰.

- خاکسار، عباس، تأملی در انقلاب مشروطه ایران، تهران، نگاه، ۱۳۹۵.
- خالقی، روح‌الله، سرگذشت موسیقی ایران، تهران، ماهور، ۱۳۹۵.
- خوشنام، محمود، از نجوای سنت تا غوغای پاپ، تهران، فرهنگ جاوید، ۱۳۹۷.
- درویشی، محمدرضا، نگاه به غرب: بحثی در تأثیر موسیقی غرب بر موسیقی ایران، تهران، ماهور، ۱۳۹۴.
- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، عطار، ۱۳۷۱.
- دهقانی، رضا، تاریخ مردم ایران در دوره قاجاریه، تهران، پارسه، ۱۳۹۲.
- سپنتا، ساسان، تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران، تهران، ماهور، ۱۳۷۷.
- سپنتا، ساسان، چشم‌انداز موسیقی ایران، تهران، مشعل، ۱۳۸۲.
- سپهر، احمدعلی، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴، تهران، [بی‌نا]، ۱۳۳۶.
- صفرزاده، فرهود، باد خزان، تهران، فنجان، ۱۳۹۴.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم، دیوان عارف قزوینی، برلین، چاپخانه مشرقی، ۱۳۰۳.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
- فاطمی، ساسان، تاریخ جامع ایران، ج ۱۸، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- فراهانی، حسن، روزشمار تاریخ معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- کسائی، محمدجواد، تاریخ‌شناسی موسیقی و ردیف موسیقی ایران، اصفهان، سنجش سپاهان، ۱۳۸۷.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- کسروی، احمد، مشروطه به روایت کسروی، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران، علم، ۱۳۹۹.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود، موسیقی در عصر مشروطه، تهران، مهرنامگ، ۱۳۸۴.
- مختاباد، سید عبدالحسین، تاریخی از موسیقی معاصر هنری ایران، تهران، گویا، ۱۳۹۹.
- مذاکرات مجلس اول شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، کتابخانه مجلس.
- مذاکرات مجلس دوم شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، کتابخانه مجلس.
- مذاکرات مجلس سوم شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، کتابخانه مجلس.
- مذاکرات مجلس چهارم شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، کتابخانه مجلس.
- مذاکرات مجلس پنجم شورای ملی، روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، کتابخانه مجلس.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آشنایی با تاریخ مجالس قانونگذاری در ایران دوره اول تا دوره شانزدهم (۱۳۲۸-۱۲۸۵)، تهران، نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۸۴.
- ویشارد، جان، بیست سال در ایران؛ روایت یک زندگی در دوران سه پادشاه قاجار، تهران، پل فیروزه، ۱۳۹۹.

یزدانی، سهراب، *کودتاهای ایران*، تهران، ماهی، ۱۳۹۶.

یغمایی، اقبال، *شهید راه آزادی سید جمال واعظ اصفهانی*، تهران، توس، ۱۳۴۷.